

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# سبزه چمن در مفر شاعلف

سازمان خوارست

۱۴۸۴۹۵۱

علی اکبر نصیری

|                     |                                                     |
|---------------------|-----------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : نصیری، علی اکبر، ۱۳۲۳ -                           |
| عنوان و نام پدیدآور | : شب چراغ: در محفل شاعران / علی اکبر نصیری.         |
| مشخصات نشر          | : تهران: ویراستاران، ۱۳۹۶.                          |
| مشخصات ظاهری        | : ۳۲۲ ص.                                            |
| شابک                | : ۹۶۴۲۳-۱-۱-۶۰۰-۹۷۸-۲۲۰,۰۰۰ ریال                    |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیبا                                              |
| یادداشت             | : کتابنامه.                                         |
| موضوع               | : شاعران ایرانی -- نقد و تفسیر                      |
| موضوع               | : Poets, Persian -- Criticism, interpretation, etc. |
| موضوع               | : شعر فارسی -- تاریخ و نقد                          |
| رضی                 | : Persian poetry -- History and criticism           |
| موضوع               | : شعر فارسی -- مجموعه ها                            |
| موضوع               | : Persian poetry -- Collections                     |
| رده ی کتب           | : PIR ۳۵۴۲ / ۵۵۵ ش ۱۳۹۵                             |
| رد بندی دیسک        | : ۸ فا / ۰۰۹                                        |
| شماره کتابخانه      | : ۴۵۸۳۶۷۱                                           |



شب چراغ، در محفل شاعران

علی اکبر نصیری

ویرایش: مرضیه نصیری، معصومه نصیری، نیت پور

صفحه آرایی و طراحی جلد: علی سعیدی

نشر: «ویراستاران» virastaran.net

شابک: ۹۶۴۲۳-۱-۱-۶۰۰-۹۷۸

چاپ نخست، ۱۳۹۶، ۵۰۰ نسخه، ۲۲,۰۰۰ تومان

تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، انتهای خیابان شهید لبافی نژاد، پلاک ۳۲۲،

واحد ۶، دفتر «ویراستاران»، ۰۲۱۶۶۹۱۹۹۶۲، کدپستی: ۱۳۱۳۹۱۳۹۸۹، info@virastaran.net

پخش: ۰۹۲۱۲۵۰۹۱۹۴

## فهرست

- ۵ | پیشگفتار
- ۱۱ | مقدمه
- ۱۳ | چند دیدگاه دربارهٔ شعرو شاعر
- بخش اول: شاعران کهن**
- ۲۳ | رودکی سمرقندی
- ۲۷ | حکیم ابوالقاسم فردوسی
- ۳۹ | ناصر خسرو قبادیانی
- ۴۳ | حکیم عمر خیام نیشابوری
- ۴۷ | باباطاهر عریان
- ۵۱ | حکیم نظامی گنجوی
- ۵۹ | حکیم سنایی غزنوی
- ۶۴ | عطار نیشابوری
- ۶۹ | مولانا جلال الدین محمد بلخی
- ۷۷ | سعدی شیرازی
- ۸۷ | خواجه شمس الدین محمد شیرازی
- ۹۷ | هاتف اصفهانی

بخش دوم: تنی چند از شاعران مشروطه و پس از آن

۱۰۵ | ایرج میرزا

۱۱۱ | ملک الشعرا بهار

۱۲۵ | علامه علی اکبر دهخدا

۱۳۱ | دکتر محمد اقبال لاهوری

۱۳۹ | پروین اعتصامی؛ شاعر مردمی

۱۵۱ | استاد شهریار

۱۶۵ | پرویز ناتل خانلری

۱۷۳ | امیر هوشنگ ابتهاج (ه. ا. سایه)

۱۸۱ | عماد نراسانی

بخش سوم: تنی چند از شاعران نیمایی

۱۸۹ | نیمای رشید

۱۹۹ | احمد شامی

۲۲۱ | مهدی اخوان ثالث

۲۴۳ | فروغ فرخ زاد

۲۵۷ | نادر نادرپور

۲۶۷ | سهراب سپهری

۲۷۵ | فریدون مشیری

۲۹۱ | نعمت میرزا زاده

۳۰۱ | محمد رضا شفیعی کدکنی

۳۱۹ | کتابنامه

## پیشگفتار

این مجموعه تالیفی که انوشیروان فراهی آورده‌ام که در رشته‌هایی غیر از ادبیات فارسی تحصیل کرده و آن را با شعر و ادب فاصله دارند و زندگی ماشینی امروز و گرفتاری‌های شخصی گوناگون در مجال مطالعه جدی در زمینه ادبیات به آنان نمی‌دهد. اما هر کس می‌تواند برای فراغت و برای رفع خستگی روزمره، گاهی شعری بخواند و با شعر و ادب که بهایات فرهنگی اصلی کشور ماست، مختصر آشنایی بیابد.

من بر آنم که می‌توان و باید ایام فراغت یا دست‌کم بخشی از آن را با شعر و ادب به سرآورد و هم از آن لذت برد و هم بخشی را از آن به در کرد و هم با بزرگان این عرصه آشنایی یافت و این میراث عظیم را پاس داشت. آشنایی با بزرگانی چون فردوسی و نظامی و خیام و سنایی و عطار و سعدی و مولوی و حافظ، اگر نه واجب، دست‌کم ضرورت است. مخاطب این کتاب هر کس می‌تواند باشد. پزشک، مهندس، استاد، دانشجو، معلم، دانش‌آموز و هر کس که می‌خواهد ایام تنهایی و فراغت خود را با چراغ شعر روشن بدارد و از میراث شعر و ادب بهره‌مند سازد. هریک از شاعران بزرگ زبان فارسی، لطف و ویژه‌ای دارند و ما را نکته‌ها می‌آموزند:

فردوسی حماسه‌آفرین است؛

خیام دردهای فلسفی را بیان می‌کند؛

نظامی انسان را غرق رؤیاهای خیال انگیز می کند؛

سعدی درس های انسانی به ما می دهد؛

حافظ از چهره های نفاق و دورویی پرده برمی دارد و نقاب خودخواهی و

خودپسندی را می دزد؛

سنایی و عطار و مولانا ما را با عرفان و جهان ماوراء محسوس آشنا می کنند.

دیگر شاعران نیز هریک به گونه ای ما را از دنیای دشوار و ملال آور زندگی رها

می کنند و به جهان مطلوب شعر و ادب می برند و شادابی می بخشند.

ویل دورانت، فیلسوف امریکایی و نویسنده کتاب های لذات فلسفه،

تاریخ تمدن، تاریخ تمدن و... خطاب به دانشجویان خود می گوید:

توجهی که این ایام به علوم معطوف می شود، به حدی اوقات

سما را مشغول داشته که شاید فرصت نداشته باشید جز

معارف کلاسی با ادبیات، تاریخ، فلسفه و هنرهای زیبا و

اشعار، آشنای شوید با این حال، به همان تخصص در یک

رشته اکتفا کنید. وقتی تحصیلات خود را به پایان رساندید،

دست کم برای دو ساعت، وقت خود را صرف مطالعات

عمومی کنید. محار ویش را با گل های تمدن آرایش و صفا

دهید. با شعرای شیرین گزینار، نویسندگان سخن سنج و

هنرمندان چیره دست آشنا شوید. لحظه ای به متفکران بزرگ

دنیا نزدیک شوید. به علاوه، از باغ های علوم و معارف انسانی

است که می توان ذوق بشر را تلطیف کرد. جوانان را با روح

انصاف و تسامح و بزرگ منشی، نوع دوستی و مهربانی پرور.

کسی که روحش چندان لطیف شده باشد که زیبایی آثار

نقاشان هنرمند و شور آهنگ های موسیقی دانان را از آتش

به راستی درک کند و از اشعار و نوشته های بلند و فاخر شاعران

و نویسندگان لطیف طبع و فکور به وجد و هیجان آید، کمتر

ممکن است به سخت دلی گراید. یقین بدانید که اگر انسان از

هنرهای زیبا طر فی نبندد، بخشی از سعادت زندگانی خویش

را تباه ساخته است.<sup>۱</sup>

داروین، دانشمند معروف، در اواخر عمر خود افسوس می خورد که چرا همه عمر خود را در راه علم صرف کرده است و بخش اعظم ذوقیات خود را نادیده گرفته است:

در جوانی خیلی به دین و هنر علاقه مند بودم. هنگامی که تصاویر شکسپیر و داستان های تاریخی او را می خواندم، بی اندازه لذت می بردم و نیز با شنیدن نغمه های موسیقی یا مشاهده تصاویر زیبا بسیار مسرور می شدم؛ اما اکنون که مشغول نوشتن این سطورم، می خواهم شکسپیر را بخوانم؛ ولی شادی و فرحی فراهم نمی شود. در حضورم آلات موسیقی نمی نوازند؛ ولی بدان دل خوش نمی شوم و نیز از دیدار نقاشی ای زیبا شغف و انبساطی به من دست نمی دهد. اگر به ای می شد، در راه به عالم کودکی بازگردم، بخش بزرگی از این دور را صرف خواندن ادبیات و شنیدن و نواختن موسیقی و سرگرمی با دانشم و هنرهای زیبا می کردم تا اینکه نسوج دماغی من به هر در دماغ من سخت و صلب نشود و در زمان پیری نیز این نشاط برقرار بماند.<sup>۱</sup>

آدمی برای پرورش روح باید بیشتر متوجه اهل دل باشد؛ چرا که اهل دل دیگرند و دیگران دیگر. انسان نمی تواند تنها به فکر عقل تکیه کند. باید از قلب و ادراکات قلبی، اخلاق و ایمان و عواطف و احساسات نیز بهره ببرد. آنان که اهل دل اند، چشم و گوش دلشان نیز باز است. دنیای های دیگری می بینند و شنیدنی های دیگری می شنوند. به قول هاتلر: «همان».

چشم دل باز کن که جان بینی آنچه نادیدنی است آن بی در جشن هفتادمین سال تولد اینشتن، وقتی آن دانشمند نامی پشت ریبون قرار گرفت، با تأثر و تأسف چنین گفت: «شما برای کسی جشن گرفته اید که مخترع بمب اتم است. بدیهی است که او با نیتی پاک، ذره را شکافته و به این نیروی عظیم دست یافته است، اما دیگری از این کشف بزرگ، سوءاستفاده کرده و وسیله تخریب و هلاک از آن فراهم ساخته است!» منظور

آن دانشمند بزرگ، سوءاستفاده از دستاوردهای علمی بود. او می‌خواست هشدار دهد که علم بدون معنویت گاهی مشکل‌آفرین است.

استاد غلامحسین یوسفی در کتاب ارزشمند برگ‌هایی در آغوش باد می‌نویسد:

برخی از سخن‌سنان در تفاوت میان آثار علمی و آثار ادبی می‌گویند آثار ادبی را مکرر می‌خوانیم و باز از آن‌ها بی‌نیاز نمی‌شویم؛ ولی آثار علمی را همین‌که مفهوم و معلوم شد، به مطالعهٔ مجدد آن‌ها احتیاجی نداریم. سبب این اختلاف را در آن می‌دانند که نوشته‌های ادبی، به‌خصوص شعر، مبنی بر احساس و عاطفه است و نوشته‌های علمی برپایهٔ عقل استوار است.

اما اگر ناز ما به مطالعه و تأمل در شعر و ادب، دائمی و پایدار است، علت آن ناپایداری احساسی است که از خواندن این‌گونه آثار به ما دست می‌دهد.<sup>۱</sup>

آری، با تأکید خاندان‌نشین می‌نم: اگر علوم و فنون دماغ‌پرور است، هنر و ادب ذوق‌آفرین و ذوق‌پرور است. روح انسانی را تلطیف می‌کند.

در پاسخ به اینکه در چنین عصری که عصر علم و تکنولوژی است، چه جای شعر و شاعری و التذاذ از زیبایی‌های ادبی است، به شعری از شاعر محبوب آذربایجانی، یدالله مفتون امینی، بسنده می‌نم:

تا چند؟

|                           |                            |
|---------------------------|----------------------------|
| گویند که وقت هوشیاری است  | این مستی شاعرانه تا چند؟   |
| در عصر تلاشی آسمان‌کوب    | عشق و غزل و زبانه‌ها چند؟  |
| چون شمع بمرد و کاروان رفت | این قصه و آن بهانه تا چند؟ |

اینک من و پاسخی دل‌انگیز:

۱. غلامحسین یوسفی، برگ‌هایی در آغوش باد، ص ۴۶۷.

تا منظره غروب خورشید یادآور عمر رفته ماست  
تا حالت یک اجاق خاموش چون خاطره‌های خفته ماست  
تا ابر فشرده بهاری مانند دل گرفته ماست

تا لاله به سان جام صهباست

تا بحر خزر کشیده سرمست صد ساحل سبزا در آغوش  
تا قصر خراب تخت جمشید افسانه سراسر است لیک خاموش  
تا رنج نهیم ورقص گل هاست بر گرد سهند پرنیان پوش

تا صبح بهار هست و شیراز

تا از پس مای تماشا بر سبزه خاک ما نشینند  
تا مرام مست در پیاله عکس رخ ماه یار بینند  
تا دسته اردکان سحرگاه از بام افق ستاره چینند

تا سپید شکوفه بر سر آرد

تا در شب دوری از عزیزی جان و دل بی قرار داریم  
تا در غم مرگ نا نیند چشمان سرشک بار داریم  
تا باختن و شکست خوردن از گردش روزگار داریم

تا زندگی است و رنج اساس

تا این همه جلوه‌های پندار بر سرده بغز زندگانی است  
تا این همه سرد و گرم پرشور در عالم مسو و جوانی است  
تا این همه آرزو و امید با آن همه حس و دل تانی است

تا بودن و خواستن به یک جاست

تا بزم بلند آسمان‌ها از شمع ستاره‌ها تهرانیست  
تا جنگل و کوه و دشت و دریا از نغمه آشنا تهی نیست  
تا روح بزرگ آدمیزاد از عاطفه و صفا تهی نیست

عشق و غزل و ترانه باقی است!

علی اکبر نصیری

۳۰ فروردین ۱۳۹۵

## مقدمه

این دفتر نه تاریخ ادبیات است و نه نقد ادبی و نه می‌توان به آن گزیده اشعار گفت. همان طور که در سنگتراش‌ها اشاره شد، دفتری است برای تشویق جوانان از هر صنفی به مطالعه شعر و ادب و آشنایی با میراث فرهنگی گران سنگ این آب و خاک. باشد که طریقت و ترکیب روحشان همچنان از آسیب زمان در امان بماند.

سعی بر آن بوده است که از اشعار بزرگان گذشته شعر و ادب فارسی از قرن چهارم تا هشتم بهترین‌ها را دربرگیرد و از درون مشروطیت هم به نمونه اشعار اصیلی از شاعرانی چون ایرج و بهار و دهخدا اشاره شود. و از زبان نیما به بعد نیز از استوانه‌های شعر جدید، شاعرانی چون شاملو، خوانساری، سپهری، فروغ، مشیری و... تا شفیع کدکنی یاد شود.

از آنجاکه هدف بر اختصار بوده، از هریک از شاعران زندگی‌نامه‌ای بسیار مختصر ارائه شده است و در ضمن، چکیده و دیدگاه‌تنی چند از اشعار نیمایی و پسانیمایی درباره شعر تقدیم خوانندگان عزیز می‌شود.

در این مجموعه، جایگاه خاص بزرگ شاعر فارسی‌گوی پاکستانی، دکتر محمد اقبال نیز محفوظ بوده و این خود، به چند دلیل بوده است: یکی پارسی‌گویی این شاعر بزرگ؛ دیگری افکار بلند و انسانی او که همگان را به جهان وطنی فرامی‌خواند؛ سوم، اندیشه‌های اسلامی و عرفانی آن مرد بزرگ؛ نیز به دلیل آنکه او در دامن اندیشه‌های عرفانی و ادبی شخصیت‌های ایرانی

همچون عطار و سنایی و مولوی و دیگر بزرگان فارسی زبان پرورش یافته است. سروده‌های انسان ساز او برای ما و نسل فردای ما بسیار سازنده و ارزشمند است: اسرار خودی؛ رموز بیخودی؛ زیور عجم؛ گلشن راز؛ پیام مشرق؛ جاویدنامه؛ چه باید کرد؛ ارمغان حجاز و...  
در هریک از آثار او شعرهای نغزی وجود دارد؛ برای نمونه در ارمغان حجاز آورده است:

|                               |                          |
|-------------------------------|--------------------------|
| نه از ساقی، نه از پیمانه گفتم | حدیث عشق بی باکانه گفتم  |
| شنیدم آنچه از پاکان امت       | تورا با شوخی رندانه گفتم |

...

|                                       |                              |
|---------------------------------------|------------------------------|
| دو صد و نود و یک سال، نه نعل سخن گفتم | سخن نازک تراز برگ سمن گفتم   |
| ولی با من به آن دیده و کیست؟          | که خاری دید و احوال چمن گفتم |

...

|                                |                             |
|--------------------------------|-----------------------------|
| نهان اندر دو حرفی سه تکرار است | مقام عشق منبر نیست، دار است |
| بَراهیمان ز نمرودان بترسند     | که عود خام را آتش عیار است  |

...

|                           |                         |
|---------------------------|-------------------------|
| بیا تا کار این امت بسازیم | قمار زندگی مردانه بازیم |
| چنان نالیم اندر مسجد شهر  | دل در سینه ملا گدازیم   |